



ششمین کنگره ۶۸ ساله سازمان ملل متحد



ششمین کنگره ۶۸ ساله سازمان ملل متحد

۶۰ درصد جمعیت کشور جوان هستند. طبق پیش‌بینی‌ای که خانم مطهرتیری، انجمن دانش‌های سازمان آینده حدود ۱۰ میلیون بیکار خواهند داشت. ۱۰ میلیون بیکار که پس از ساختن اشتغال‌های دولت بازن اولجه است فخری نیست بلکه پروژه گنگامو آتیا، برای کاری بندکنند. قریب نیمی از بیکار به نوعی این در حقیقت یکی از اهدافش این بود که به نوعی این خلیل غلیط جمعیت جوان را جذب خود کند تا مواج خروشان این بحران هم بگیرد.

مسئط درآمد است. این پارادایم اول از غرب به تمام اقتصاد تقاط جهان گذشتن یافته است. مسلط شدن پارادایم جمعیتی نیست پارادایم توسعه. تغییر استراتژی در پارادایم توسعه است. پارادایم مسلط توسعه در گذشته دولت محور بود و دولت به عنوان عامل اصلی توسعه به شمار می‌روشه. ولی در چنددهه اخیر قدرت نهادهای دولت از سوی نیروهای فرمالی اثر فرآیند جهانی شدن(تورهای فرود ملی جنبش شده. جدید اجتماعی) و از درون به چالش کشیده شده است. همچنین بیست پارادایم توسعه دولت محور دهانی از زوال پیگاه‌های سنتی قدرت سیاسی و وثاوتی دولت در انجام کار پارادایم بوده. پارادایم جدیدی که در توسعه شکل گرفته است جامعه محور است. حاملان اصلی توسعه در این پارادایم سازمان‌های جامعه من هستند. در این پارادایم باز تعریف ایش، کارپروها و جایگاه دولت ایفا شده است. علت روبریکر توسعه پارادایم‌های غیروثلی در سطح بین‌المللی و ملی ناشی از این تغییر پارادایم می‌باشند. در این پارادایم متکثرین و عدلای توسعه معتقدند که مردم هم هدف توسعه هستند. هم ایزر هستند. هم عبارت برکنه نقطه متغالی NonProfit. مردم هم هستند. این نیروی و توان پیشرود فرایند توسعه هم امور می‌باشند. هم مردم و انگار کارکن آنها هستند. اگر دهده پایانی قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ عصر دولت است. ملت‌ها، پدیدارکنندگان در سازمان‌های فرای قرن ۲۰ آغاز قرن ۲۰ هجده جاده جدید سازمان‌های جامعه منی است. از این دوران ایران هم جدا از این پارادایم تفکس نمی‌کند. گرچه به دو دهه اخیر وارد این پارادایم شده است. جامعه منی به پروژه مرکزی اصحاب درآمد آمده است. ولی مشکل عدالت و است که هم از مصلحت‌های پارادایم نیست به پای برکت نمودن و سایر اجزای توسعه. این نیروی و توان در پارادایم ووی هم اثر فرایند قدیم و جدید توسعه است. هم جنبی و هم کلبش‌های شده است. و نگاه شگسته‌ای را نسبت به مسایل پدید آورده.

۵. در حقیقت شما پروژه Lango را به عنوان

شورایا جابه جایی مراکز قدرت در شهر و روستاها می‌باشد و مرچیت جدیدی در جامعه در حال شکل گیری است. آغاز پارادایم Lango در ایران آن دهه دوم انقلاب، یعنی دهه ۷۰ برمی‌گردد. پدیدایش آن از تکسوس ناشی از تحولات نظام بین‌المللی و فریوایی کمونیسم و... است. و از دیگر سو ناشی از فروکش کردن جنبش انقلابی و بازگشت به گنگامو توسعه در زمان حیات است.

۶. با توجه به تلقی‌های مختلف پیرامون جامعه مدنی، برداشت شما در این مورد چیست و چگونه می‌توان آن را تعریف کرد؟

آساساً در رب سازمان‌های جامعه مدنی و موضوع جامعه مدنی تلقی متفاوتی وجود دارد. هر یک از متکثرین و جامعه شناسان از یک پیگاه توریک به این موضوع تگزیسه‌اند. یعنی از آن‌ها به جامعه مدنی به مثابه مجموعه ارزش‌ها و مهارت‌ها توجه کرده‌اند. یعنی دیگر به مثابه اسم جمع ویرعی دیگر به عنوان بهره‌تاریخی به آن نمی‌نگرند. گروهی نیز به مثابه عرصه و فضای عمومی و گروه‌های دیگر جامعه مدنی به عنوان یک عامل کلیدی مطالعه می‌دانند. ولی در نهایت گروهی دیگر به جامعه مدنی به مثابه بازیگری در پیر دولت می‌نگرند. آن‌ها خواهری به جامعه مدنی. عنوان کارکن مسلطه و ابزاری برای در پیر دولت نگریتم. سازمان‌های جامعه مدنی از این جهت با تفاوت سلیط هستند در تمام اشکالی. این نیروی و توان می‌گویی حوزه جامعه مدنی حوزه رهایی و آزادی است. حوزه‌ای است که به دلیل اینکه روابطی که هم افراد جامعه مدنی در سطح برابری است. اشتغال گفت‌وگو ارتباط وجود دارد و به همین دلیل گفت‌وگو در این جامعه وجود ندارد. از این زاویه اگر نگاه کنیم جامعه مدنی در کشور غربی اروپای شرقی، چنه در کشورهای امریکای لاتین چنه در کشورهای آسیای (الته کشور همواره به پدیدارکنندگان تفاوت سلیط بوده است. معمولاً در جوامعی که جامعه سیاسی کوچک باشد جامعه مدنی قدرتمندتر است. در جوامعی که جامعه سیاسی بزرگ باشد جامعه مدنی کمترگت است. ولی اگر سراسری توسعه در آن نظر نگریتم، زمانی جامعه من به سمت توسعه می‌رود و می‌توان گفت که حرکت جامعه من توسعه است که این که در جامعه موزون باشد. ناموزنی جامعه سیاسی و جامعه مدنی. هر چه زور کمتری و فرآیند کمتری در یک جامعه. چیزی است که این که در کشور خودمان هم شاهدیم. یعنی این که برگ‌ها پدیدارکننده جامعه دچار سیاست‌زدگی هستند. ولی این باعث شده که جامعه مدنی کمترگت شود. امروز هم اگر به جامعه مدنی نگاه می‌کنیم، از زاویه سیاست به آن نگاه می‌کنیم. جامعه خوبی را آن تورین می‌باشند. ایدان این‌کته ما مانتاکر شوم که از اصطلاح NGO در این بحث تنها به عنوان یک نسخه چشمه مشترک نگر می‌گیریم. چون بدون انجام مباحث دقیق تعریف آن ممکن نیست و در جامعه من این اصطلاح برای تعداد زیادی از مؤسسات سنتی و مدرن به کار گرفته می‌شود که بسیار است.

نکته دیگر ما باید سازمان‌های فرایضی از سازمان‌های غیروثلی جدا کنیم. نهادهای اولیاطبه سنتی جیزه بخش غیروثلی قرار می‌گیرند که همواره در ایران وجود داشته که غیر-هم‌هامه‌اند و نولور این نهادها هستند. ولی سازمان‌های غیروثلی به معنای مدرن چیزی مربوط به چند دهه اخیر است.

چون در زمانی سازمان‌های غیروثلی به معنای مدرن شکل می‌گردد که دولت بدون شکل گرفته باشد. یعنی از زمانی که دولت بدون درآیند پدید آمده‌های جامعه مدنی به در مقابل آن شکل گرفته‌اند. دوران قاجاریه و دوران صفویه دولتی به دولت مدرن وجود نداشت. که ما بگوریم سازمان‌های غیروثلی در آنجا حضور نداشتند.

۷. اکثر خوبالیم بین مفاهیم سنتی و مدرن Lango تفاوتی داریم. خصوصاً در زمینه مدیریت، که می‌توان از آن به عنوان یک مفهوم جدید چگونه این کار را بیان انجام دهیم؟

سازمان‌های سنتی ما سه شاخصه مهم دارند. یکی اینکه فرسلاف بود. یعنی نمی‌گفتند کار برای خودمان است. برای همین نباید بازگردد. یکی دیگر اینکه پاسخگو نیستند. به برای ما پاسخگو نگورند و نه به گتسلی که معایع مالی شان را تامین می‌کنند و نه نسبت به معنای کار خیر است! آنها شاخصه انجمن می‌دهید و نهادیم انجام نمی‌دهید. نهادها بخوبی انجام می‌دهند. در آنها فرایند اشتغال است. این سه سازمان مشخصه سازمان‌های سنتی می‌باشد. هر چه پیرایه سازمان مشخصه ما دیگری از میان کار می‌رود. ولی سازمان‌های غیروثلی مدرن شفافیت اصل است. پاسخگو می‌باشند. و با اضااف جامعه و کمک اصل است. و روابط موزکراتیک وجود دارد. چون سازمان‌های غیروثلی می‌خواهند اشتغال موزکراسی باشند. بنابراین تا زمانی که در درون خودشان موزکراسی نمی‌کنند نباید و روابط موزکراتیک حاکم باشد.

من از آن در اینجا سخن می‌گویم جامعه مدنی گتسند است سال ۱۳۸۵. تا اسامیا در شرایط جامعه مدنی گتسند است که به اصلاح اجتماعی ممکن می‌گردد. در چنین شرایطی پیدایش تصور دشمن مشترک آسان‌تر است. زیرا در فضای بسته یک قشر یا طبقه اجتماعی گتسند صورت جمعی درباره مسئولیت و مسیمن بدبخشی جامعه رشد می‌کند. همچنین در صورت شرایطی رهبری سازمان برای تکمیل اهداف بسیج با گتسند ششتر می‌باشد. امکان پیدایش سازمان و رهبری لازم برای بسیج بیشتر است. برخلاف برخی از تحلیل‌ها ما معتقدیم در شرایط جامعه توسعه‌ای، بسیج توسط ده‌های سازمان و پارکنده نامکن است یا حداقل بسیار دشوار است در نظام‌های فئودالکراک و وثاوتیتر همه سازمان‌ها و گروه‌های امکان بسیج باشند. البته به سبب سرکوب می‌شوند. بنابراین توسعه نوعی جامعه مدنی که آن را جامعه مدنی گتسند می‌نامیم لازمه بسیج اجتماعی است.

۸. اما یک خلصت جامعه مدنی در این دوام است و اساساً جامعه مدنی لزوماً نباید نشانیته شده باشد. جامعه مدنی ای که در برابر یک عامل خارجی مثل مقاومت در برابر دولت مستبد به وجود بیاید که جامعه مدنی نیست

من برای جامعه مدنی یک تعسیر قبض بسطی معتقدم. جامعه مدنی در یک زمان گتسند و گتسند پیدا می‌کند و یک زمان مقبض می‌شود. ولی همواره تمامه گتسند است. یعنی جامعه مدنی چیزی نیست که یک شبه شکل بگیرد و یک شبه هم از بین برود. ولی اگر در یک فضای قرار بگیرد گتسند پیدا می‌کند و در یک فضای محدود می‌شود. در سال ۱۳۷۵ کشور ایران کاره به دلیل اینکه توانست قدرت دولتی را زیر بکنند ولی بعد، جامعه مدنی به سمت توسعه‌ای حرکت کرد. در نتیجه ما وارد دوره‌ای به نام دوره پوپولیسم شدیم.

۹. من می‌پازانم که یک منبع خوام اسم آن دوره را یافته‌ام. جامعه مدنی نگارم. علتش هم این بود که نوعی تقاطع مردم این دوره است که در جامعه مدنی حضور داشته باشند. مردم آن دوره تا چیزی را پس نزنند و بعد به کاری رفیقند.

مسئله جدید ما هر چه نوعی که شما خواهید داشت. باید است. اما **آقای دکتر، آیا شما هم به بعضی از اندیشمندان معتقدید که ما مستعد آن تاریخ ایران داریم. بعضی‌ها می‌گویند به وجود به حدت‌ها و تجربه‌ها و بعد می‌گویند که این هم از افتخارات ماست.**

می‌باشند. ایدان این‌کته ما مانتاکر شوم که از اصطلاح NGO در این بحث تنها به عنوان یک نسخه چشمه مشترک نگر می‌گیریم. چون بدون انجام مباحث دقیق تعریف آن ممکن نیست و در جامعه من این اصطلاح برای تعداد زیادی از مؤسسات سنتی و مدرن به کار گرفته می‌شود که بسیار است.

نکته دیگر ما باید سازمان‌های فرایضی از سازمان‌های غیروثلی جدا کنیم. نهادهای اولیاطبه سنتی جیزه بخش غیروثلی قرار می‌گیرند که همواره در ایران وجود داشته که غیر-هم‌هامه‌اند و نولور این نهادها هستند. ولی سازمان‌های غیروثلی به معنای مدرن چیزی مربوط به چند دهه اخیر است.

چون در زمانی سازمان‌های غیروثلی به معنای مدرن شکل می‌گردد که دولت بدون شکل گرفته باشد. یعنی از زمانی که دولت بدون درآیند پدید آمده‌های جامعه مدنی به در مقابل آن شکل گرفته‌اند. دوران قاجاریه و دوران صفویه دولتی به دولت مدرن وجود نداشت. که ما بگوریم سازمان‌های غیروثلی در آنجا حضور نداشتند.

۱۰. اکثر خوبالیم بین مفاهیم سنتی و مدرن Lango تفاوتی داریم. خصوصاً در زمینه مدیریت، که می‌توان از آن به عنوان یک مفهوم جدید چگونه این کار را بیان انجام دهیم؟

سازمان‌های سنتی ما سه شاخصه مهم دارند. یکی اینکه فرسلاف بود. یعنی نمی‌گفتند کار برای خودمان است. برای همین نباید بازگردد. یکی دیگر اینکه پاسخگو نیستند. به برای ما پاسخگو نگورند و نه به گتسلی که معایع مالی شان را تامین می‌کنند و نه نسبت به معنای کار خیر است! آنها شاخصه انجمن می‌دهید و نهادیم انجام نمی‌دهید. نهادها بخوبی انجام می‌دهند. در آنها فرایند اشتغال است. این سه سازمان مشخصه سازمان‌های سنتی می‌باشد. هر چه پیرایه سازمان مشخصه ما دیگری از میان کار می‌رود. ولی سازمان‌های غیروثلی مدرن شفافیت اصل است. پاسخگو می‌باشند. و با اضااف جامعه و کمک اصل است. و روابط موزکراتیک وجود دارد. چون سازمان‌های غیروثلی می‌خواهند اشتغال موزکراسی باشند. بنابراین تا زمانی که در درون خودشان موزکراسی نمی‌کنند نباید و روابط موزکراتیک حاکم باشد.

تورین کنند در زمینه شایه‌بارترین نمونه‌های که می‌باشند همان آیین نامه و قانون فعالیت Lango است که هم از طرف وزارت کشور و هم از طرف Lango روی آن کار شده که حضرتعالی هم می‌گذارم. روحانی که مشارکت سازمان‌ها در دنیا در حال کاهش است و در ایران رو به افزایش است فکر یک نمونه و مسلطه قانونی ملا به پیش‌بینی در چشم‌انداز امکان تورین استراتژی را به Lango می‌دهد.

من خودم شخصاً معتقدم که مشکل Lango فقط قانون نیست. بلکه بیشتر به توانمندی‌های خود Lango بر می‌گردد. اساساً باز زندگی اجتماعی را تمیز نگریتم. به همین دلیل در انجام زندگی اجتماعی و چگونگی ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، دولت و بخش خصوصی با مشکل مواجه هستیم. یعنی اگر سازمان‌های غیروثلی بخواهند حیات داشته باشند، نقش ایفا کنند باید این روابط را تقویت کنند. توانمندی سازمان‌ها را به وجود بیاورند و توانمندی سازمانی مدیریت منابع انسانی تا مدیریت بر روی زمین استراتژی هم را در بر می‌گیرد.

۱۱. آقای دکتر، شما در نشان همد مشارکت زنان در Lango چقدر است؟

محدود است. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نشان زنان بیشتر نداریم. ولی همین تعداد هم اگر خوب سازمان‌ها یادگردد بود. در عین حال کارگرهای خودشان را از سازمان جدا کنند باید. **۱۲. برای اینکه خود سازمان پیدا کنند باید. مشاوره کجا به خود شوند؟ شاید جای مشخصی نباشد**

امایا به جبهه به گتسند اطلاعات و مراکز فرعی فکر نمی‌کنم. با مشکل اطلاعات ما هستیم. الان به بسیاری از کشورها حتی رنشته‌ای به نام مدیریت سازمان‌های غیروثلی در حد فرقی لیسانس گتسند شده است. دولت اگر می‌خواهد کاری انجام دهد، باید رشته مدیریت سازمان‌های غیروثلی را ایجاد کند. تا نیروهای فعال سازمان‌های غیروثلی آموزش ببینند. ارتباط سازمان‌های غیروثلی ایران با محیط بین‌المللی در گتسند فرهنگ زندگی اجتماعی که حلالا آنجمنی که حلالا آنجمنی که آنها بهره‌گیرند، می‌تواند خیلی مهم باشد. کشور پاکستان با Lango آموزش‌های بسیار موفق بودند. پروژه‌های بزرگی را اجرا کردند. برای OPP در رابطه با فاضلاب شهری و راجه‌اگر کنند که طرح بسیار موفقی به شمار می‌رود و توانستند سازمان‌های زیادی را هم‌راه‌ها ایجاد کنند. Lango هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. باید این فرصت‌ها را به وجود آورد.

۱۳. مثل جمله‌های که مانتاکر شده. بنگار صدر کل بشکند. تا نظرات بر اینده خودمانی که بنگار صدر کل بشکند.

ما باید هم چنین اجزای را بایم. زمین و خطاست دیگر! ممکن است یک سری اشتباهی هم صورت بگیرد ولی این نباید باشد. تا به جایی که در جامعه ما وجود دارد و مسیمن بیکاری و مسایل بزرگ فرصت اجتماعی است که استراتژی توسعه به جامعه و انگار شود. به اینکه دولت حجابان خودشان را محور توسعه باندند. حلالا. سازمان‌های غیروثلی در ایران بسیار کم هستند و به همکار به رسمیت

تورین کنند در زمینه شایه‌بارترین نمونه‌های که می‌باشند همان آیین نامه و قانون فعالیت Lango است که هم از طرف وزارت کشور و هم از طرف Lango روی آن کار شده که حضرتعالی هم می‌گذارم. روحانی که مشارکت سازمان‌ها در دنیا در حال کاهش است و در ایران رو به افزایش است فکر یک نمونه و مسلطه قانونی ملا به پیش‌بینی در چشم‌انداز امکان تورین استراتژی را به Lango می‌دهد.

من خودم شخصاً معتقدم که مشکل Lango فقط قانون نیست. بلکه بیشتر به توانمندی‌های خود Lango بر می‌گردد. اساساً باز زندگی اجتماعی را تمیز نگریتم. به همین دلیل در انجام زندگی اجتماعی و چگونگی ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، دولت و بخش خصوصی با مشکل مواجه هستیم. یعنی اگر سازمان‌های غیروثلی بخواهند حیات داشته باشند، نقش ایفا کنند باید این روابط را تقویت کنند. توانمندی سازمان‌ها را به وجود بیاورند و توانمندی سازمانی مدیریت منابع انسانی تا مدیریت بر روی زمین استراتژی هم را در بر می‌گیرد.

۱۱. آقای دکتر، شما در نشان همد مشارکت زنان در Lango چقدر است؟

محدود است. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نشان زنان بیشتر نداریم. ولی همین تعداد هم اگر خوب سازمان‌ها یادگردد بود. در عین حال کارگرهای خودشان را از سازمان جدا کنند باید. **۱۲. برای اینکه خود سازمان پیدا کنند باید. مشاوره کجا به خود شوند؟ شاید جای مشخصی نباشد**

امایا به جبهه به گتسند اطلاعات و مراکز فرعی فکر نمی‌کنم. با مشکل اطلاعات ما هستیم. الان به بسیاری از کشورها حتی رنشته‌ای به نام مدیریت سازمان‌های غیروثلی در حد فرقی لیسانس گتسند شده است. دولت اگر می‌خواهد کاری انجام دهد، باید رشته مدیریت سازمان‌های غیروثلی را ایجاد کند. تا نیروهای فعال سازمان‌های غیروثلی آموزش ببینند. ارتباط سازمان‌های غیروثلی ایران با محیط بین‌المللی در گتسند فرهنگ زندگی اجتماعی که حلالا آنجمنی که حلالا آنجمنی که آنها بهره‌گیرند، می‌تواند خیلی مهم باشد. کشور پاکستان با Lango آموزش‌های بسیار موفق بودند. پروژه‌های بزرگی را اجرا کردند که طرح بسیار موفقی به شمار می‌رود و توانستند سازمان‌های زیادی را هم‌راه‌ها ایجاد کنند. Lango هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. باید این فرصت‌ها را به وجود آورد.

۱۳. مثل جمله‌های که مانتاکر شده. بنگار صدر کل بشکند. تا نظرات بر اینده خودمانی که بنگار صدر کل بشکند.

ما باید هم چنین اجزای را بایم. زمین و خطاست دیگر! ممکن است یک سری اشتباهی هم صورت بگیرد ولی این نباید باشد. تا به جایی که در جامعه ما وجود دارد و مسیمن بیکاری و مسایل بزرگ فرصت اجتماعی است که استراتژی توسعه به جامعه و انگار شود. به اینکه دولت حجابان خودشان را محور توسعه باندند. حلالا. سازمان‌های غیروثلی در ایران بسیار کم هستند و به همکار به رسمیت

تورین کنند در زمینه شایه‌بارترین نمونه‌های که می‌باشند همان آیین نامه و قانون فعالیت Lango است که هم از طرف وزارت کشور و هم از طرف Lango روی آن کار شده که حضرتعالی هم می‌گذارم. روحانی که مشارکت سازمان‌ها در دنیا در حال کاهش است و در ایران رو به افزایش است فکر یک نمونه و مسلطه قانونی ملا به پیش‌بینی در چشم‌انداز امکان تورین استراتژی را به Lango می‌دهد.

من خودم شخصاً معتقدم که مشکل Lango فقط قانون نیست. بلکه بیشتر به توانمندی‌های خود Lango بر می‌گردد. اساساً باز زندگی اجتماعی را تمیز نگریتم. به همین دلیل در انجام زندگی اجتماعی و چگونگی ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، دولت و بخش خصوصی با مشکل مواجه هستیم. یعنی اگر سازمان‌های غیروثلی بخواهند حیات داشته باشند، نقش ایفا کنند باید این روابط را تقویت کنند. توانمندی سازمان‌ها را به وجود بیاورند و توانمندی سازمانی مدیریت منابع انسانی تا مدیریت بر روی زمین استراتژی هم را در بر می‌گیرد.

۱۱. آقای دکتر، شما در نشان همد مشارکت زنان در Lango چقدر است؟

محدود است. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نشان زنان بیشتر نداریم. ولی همین تعداد هم اگر خوب سازمان‌ها یادگردد بود. در عین حال کارگرهای خودشان را از سازمان جدا کنند باید. **۱۲. برای اینکه خود سازمان پیدا کنند باید. مشاوره کجا به خود شوند؟ شاید جای مشخصی نباشد**

امایا به جبهه به گتسند اطلاعات و مراکز فرعی فکر نمی‌کنم. با مشکل اطلاعات ما هستیم. الان به بسیاری از کشورها حتی رنشته‌ای به نام مدیریت سازمان‌های غیروثلی در حد فرقی لیسانس گتسند شده است. دولت اگر می‌خواهد کاری انجام دهد، باید رشته مدیریت سازمان‌های غیروثلی را ایجاد کند. تا نیروهای فعال سازمان‌های غیروثلی آموزش ببینند. ارتباط سازمان‌های غیروثلی ایران با محیط بین‌المللی در گتسند فرهنگ زندگی اجتماعی که حلالا آنجمنی که حلالا آنجمنی که آنها بهره‌گیرند، می‌تواند خیلی مهم باشد. کشور پاکستان با Lango آموزش‌های بسیار موفق بودند. پروژه‌های بزرگی را اجرا کردند. برای OPP در رابطه با فاضلاب شهری و راجه‌اگر کنند که طرح بسیار موفقی به شمار می‌رود و توانستند سازمان‌های زیادی را هم‌راه‌ها ایجاد کنند. Lango هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. باید این فرصت‌ها را به وجود آورد.

۱۳. مثل جمله‌های که مانتاکر شده. بنگار صدر کل بشکند. تا نظرات بر اینده خودمانی که بنگار صدر کل بشکند.

ما باید هم چنین اجزای را بایم. زمین و خطاست دیگر! ممکن است یک سری اشتباهی هم صورت بگیرد ولی این نباید باشد. تا به جایی که در جامعه ما وجود دارد و مسیمن بیکاری و مسایل بزرگ فرصت اجتماعی است که استراتژی توسعه به جامعه و انگار شود. به اینکه دولت حجابان خودشان را محور توسعه باندند. حلالا. سازمان‌های غیروثلی در ایران بسیار کم هستند و به همکار به رسمیت

تورین کنند در زمینه شایه‌بارترین نمونه‌های که می‌باشند همان آیین نامه و قانون فعالیت Lango است که هم از طرف وزارت کشور و هم از طرف Lango روی آن کار شده که حضرتعالی هم می‌گذارم. روحانی که مشارکت سازمان‌ها در دنیا در حال کاهش است و در ایران رو به افزایش است فکر یک نمونه و مسلطه قانونی ملا به پیش‌بینی در چشم‌انداز امکان تورین استراتژی را به Lango می‌دهد.

من خودم شخصاً معتقدم که مشکل Lango فقط قانون نیست. بلکه بیشتر به توانمندی‌های خود Lango بر می‌گردد. اساساً باز زندگی اجتماعی را تمیز نگریتم. به همین دلیل در انجام زندگی اجتماعی و چگونگی ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، دولت و بخش خصوصی با مشکل مواجه هستیم. یعنی اگر سازمان‌های غیروثلی بخواهند حیات داشته باشند، نقش ایفا کنند باید این روابط را تقویت کنند. توانمندی سازمان‌ها را به وجود بیاورند و توانمندی سازمانی مدیریت منابع انسانی تا مدیریت بر روی زمین استراتژی هم را در بر می‌گیرد.

۱۱. آقای دکتر، شما در نشان همد مشارکت زنان در Lango چقدر است؟

محدود است. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نشان زنان بیشتر نداریم. ولی همین تعداد هم اگر خوب سازمان‌ها یادگردد بود. در عین حال کارگرهای خودشان را از سازمان جدا کنند باید. **۱۲. برای اینکه خود سازمان پیدا کنند باید. مشاوره کجا به خود شوند؟ شاید جای مشخصی نباشد**

امایا به جبهه به گتسند اطلاعات و مراکز فرعی فکر نمی‌کنم. با مشکل اطلاعات ما هستیم. الان به بسیاری از کشورها حتی رنشته‌ای به نام مدیریت سازمان‌های غیروثلی در حد فرقی لیسانس گتسند شده است. دولت اگر می‌خواهد کاری انجام دهد، باید رشته مدیریت سازمان‌های غیروثلی را ایجاد کند. تا نیروهای فعال سازمان‌های غیروثلی آموزش ببینند. ارتباط سازمان‌های غیروثلی ایران با محیط بین‌المللی در گتسند فرهنگ زندگی اجتماعی که حلالا آنجمنی که حلالا آنجمنی که آنها بهره‌گیرند، می‌تواند خیلی مهم باشد. کشور پاکستان با Lango آموزش‌های بسیار موفق بودند. پروژه‌های بزرگی را اجرا کردند. برای OPP در رابطه با فاضلاب شهری و راجه‌اگر کنند که طرح بسیار موفقی به شمار می‌رود و توانستند سازمان‌های زیادی را هم‌راه‌ها ایجاد کنند. Lango هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. باید این فرصت‌ها را به وجود آورد.

۱۳. مثل جمله‌های که مانتاکر شده. بنگار صدر کل بشکند. تا نظرات بر اینده خودمانی که بنگار صدر کل بشکند.

ما باید هم چنین اجزای را بایم. زمین و خطاست دیگر! ممکن است یک سری اشتباهی هم صورت بگیرد ولی این نباید باشد. تا به جایی که در جامعه ما وجود دارد و مسیمن بیکاری و مسایل بزرگ فرصت اجتماعی است که استراتژی توسعه به جامعه و انگار شود. به اینکه دولت حجابان خودشان را محور توسعه باندند. حلالا. سازمان‌های غیروثلی در ایران بسیار کم هستند و به همکار به رسمیت

تورین کنند در زمینه شایه‌بارترین نمونه‌های که می‌باشند همان آیین نامه و قانون فعالیت Lango است که هم از طرف وزارت کشور و هم از طرف Lango روی آن کار شده که حضرتعالی هم می‌گذارم. روحانی که مشارکت سازمان‌ها در دنیا در حال کاهش است و در ایران رو به افزایش است فکر یک نمونه و مسلطه قانونی ملا به پیش‌بینی در چشم‌انداز امکان تورین استراتژی را به Lango می‌دهد.

من خودم شخصاً معتقدم که مشکل Lango فقط قانون نیست. بلکه بیشتر به توانمندی‌های خود Lango بر می‌گردد. اساساً باز زندگی اجتماعی را تمیز نگریتم. به همین دلیل در انجام زندگی اجتماعی و چگونگی ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، دولت و بخش خصوصی با مشکل مواجه هستیم. یعنی اگر سازمان‌های غیروثلی بخواهند حیات داشته باشند، نقش ایفا کنند باید این روابط را تقویت کنند. توانمندی سازمان‌ها را به وجود بیاورند و توانمندی سازمانی مدیریت منابع انسانی تا مدیریت بر روی زمین استراتژی هم را در بر می‌گیرد.

۱۱. آقای دکتر، شما در نشان همد مشارکت زنان در Lango چقدر است؟

محدود است. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نشان زنان بیشتر نداریم. ولی همین تعداد هم اگر خوب سازمان‌ها یادگردد بود. در عین حال کارگرهای خودشان را از سازمان جدا کنند باید. **۱۲. برای اینکه خود سازمان پیدا کنند باید. مشاوره کجا به خود شوند؟ شاید جای مشخصی نباشد**

امایا به جبهه به گتسند اطلاعات و مراکز فرعی فکر نمی‌کنم. با مشکل اطلاعات ما هستیم. الان به بسیاری از کشورها حتی رنشته‌ای به نام مدیریت سازمان‌های غیروثلی در حد فرقی لیسانس گتسند شده است. دولت اگر می‌خواهد کاری انجام دهد، باید رشته مدیریت سازمان‌های غیروثلی را ایجاد کند. تا نیروهای فعال سازمان‌های غیروثلی آموزش ببینند. ارتباط سازمان‌های غیروثلی ایران با محیط بین‌المللی در گتسند فرهنگ زندگی اجتماعی که حلالا آنجمنی که حلالا آنجمنی که آنها بهره‌گیرند، می‌تواند خیلی مهم باشد. کشور پاکستان با Lango آموزش‌های بسیار موفق بودند. پروژه‌های بزرگی را اجرا کردند. برای OPP در رابطه با فاضلاب شهری و راجه‌اگر کنند که طرح بسیار موفقی به شمار می‌رود و توانستند سازمان‌های زیادی را هم‌راه‌ها ایجاد کنند. Lango هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. باید این فرصت‌ها را به وجود آورد.

۱